فصل‌نامه علمی پژوهشنامه تاریخ اسلام
سال یازدهم، شماره چهل‌وچهارم، زمستان ۱۴۰۰
مقاله پژوهشی، صفحات ۶۵-۸۲

اهمیت گزارش مورخان ارمنی در ثبت حوادث فتوحات اعراب در دو قرن اول هجری
(با استناد به دو کتاب *تاریخ سبئوس* و *تاریخ غِوُند*)

بهمن زینلی[۱]
علی‌اکبر جعفری[۲]
هایک ساریان[۳]

چکیده

آغاز فتوحات اعراب مسلمان و فروپاشی امپراتوری ساسانی نقطه عطفی در تاریخ ایران و مناطق پیرامون آن است. فتوحات اسلامی سرفصل جدیدی از حوادث تاریخ اسلامی را رقم زده است. ثبت این حوادث توسط مورخان عرب و ایرانی با دو قرن تأخیر انجام شد. در این حین مورخان ارمنی به‌ویژه سبئوس و غوند که در قرن ۷ و ۸ میلادی به ثبت و ضبط این وقایع پرداختند، اولین مورخان غیرمسلمان در حوزه تاریخ‌نگاری فتوحات اسلامی هستند. در حوزه فتوحات اعراب خصوصاً فتح ایران، گزارش‌های گوناگونی به قلم مورخان عرب و ایرانی ارائه شده‌است. این گزارش‌ها با فاصله زمانی بسیار زیاد پس از وقوع حوادث، روایت شفاهی چند نسل و تحت تأثیر باورهای اعتقادی و هویتی راویان ارائه شده‌است. سؤال پژوهش حاضر این است که گزارش‌های منابع ارمنی سده ۷ و ۸ میلادی درباره فتوحات اعراب مسلمان حاوی چه ویژگی‌هایی است؟ فرضیه پژوهش حاضر این است که گزارش‌های منابع دست اول ارمنی در مورد استفاده مورخان مسلمان قرار گرفته است. پژوهش حاضر که به روش توصیفی و تطبیقی و با استناد به گزارش‌های *تاریخ سبئوس* و *تاریخ غِوُند* انجام شده نشان می‌دهد که گزارش‌های مورخان ارمنی درباره فتوحات اعراب از لحاظ زمانی هم‌عصر فتوحات اسلامی و از نظر اعتقادی و هویتی بی‌طرفانه‌تر نوشته شده‌است.

کلیدواژه‌ها: تاریخ‌نگاری اسلامی، *تاریخ سبئوس*، *تاریخ غِوُند*، فتح ایران، فتوحات اسلامی، منابع ارمنی.

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول) . b.zeynali@ltr.ui.ac.ir
۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. a.jafari@ltr.ui.ac.ir
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. haiksarian@gmail.com
تاریخ دریافت: ۰۰/۰۹/۲۴ تاریخ پذیرش: ۰۰/۱۱/۲۷

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOI: 10.52547/isihistory.1.44.65]

The importance of Armenian historians' reports in recording the events of the Arab conquests in the first two centuries of Hijri (with reference to the two books of *Sebeos history* and *Ghevond history*)

Bahman Zainli [1]
Ali Akbar Jafari [2]
Hayek Sarian [3]

Abstract

The beginning of the Muslim Arab conquests and the collapse of the Sassanid empire is a turning point in Iran's history and its surrounding regions. Islamic conquests have marked a new chapter in the events of Islamic history. These events were recorded by Arab and Iranian historians two centuries later. Meanwhile, Armenian historians especially Sebeos and Ghevond, who recorded these events in the 7th and 8th centuries AD, are the first non-Muslim historians in the field of the historiography of Islamic conquests. In the field of Arab conquests especially the conquest of Iran, various reports have been presented by Arab and Iranian historians. These reports have been presented long after the events, the oral narrative of several generations, and influenced by the narrators' beliefs and identity. The question of the present research is what are the characteristics of the reports of the Armenian sources of the 7th and 8th centuries AD about the conquests of Muslim Arabs? The hypothesis of the research is that the reports of Armenian first-hand sources have been used by Muslim historians. This research using a descriptive and comparative method and based on historical reports of Sebeos and Ghevond indicates that the Armenian historians' reports about the Arab conquests were written at the same time as the Islamic conquests and more impartial in regards to belief and identity.

Keywords: Islamic historiography, *Sebeos history*, *Ghevond history*, Iranian conquests, Islamic conquests, Armenian sources.

۱ Assistant professor, Department of history, University of Isfahan, Isfahan, Iran (Corresponding author). b.zeynali@ltr.ui.ac.ir
۲ Accociate professor, Department of history, University of Isfahan, Isfahan, Iran. a.jafari@ltr.ui.ac.ir
۳ Master of Iran history in Islamic period, Department of history, University of Isfahan, Isfahan, Iran. haiksarian@gmail.com

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.44.65]

درآمد

ظهور دین اسلام یکی از وقایع و رخدادهای بسیار مهم تاریخ جهان بود که موجب دگرگونی و تحولی بزرگ در نظم سیاسی و اجتماعی جهان شد. با به وجود آمدن بینش و جهان‌بینی جدید در نزد اعراب مسلمان، یک حکومت متحد و یکپارچه اسلامی از لحاظ سیاسی و اجتماعی پدید آمد. با قدرت‌گیری و اتحاد قبایل عرب و تشکیل خلافت اسلامی، دوره فتوحات اعراب آغاز شد. اعراب مسلمان در زمان کوتاهی موفق شدند بیشتر بخش‌های امپراتوری ایران و روم را به زیر سلطه خود درآورده و بزرگترین حاکمیت سیاسی جهان را در قالب خلافت اسلامی تشکیل دهند.

سرعت و دامنه گسترده فتوحات عربی–اسلامی توجه مورخان و گزارشگران عرب، ایرانی و سایر ملل را به خود جلب کرد. از جمله این گزرشگران، مورخان ارمنی هستند که از نظر زمانی نزدیک به تحولات عصر فتوح به نگارش حوادث آن پرداختند. در قرن هفتم و هشتم میلادی در ارمنستان دو مورخ بزرگ، یعنی سبئوس و غوند به ثبت حوادث و رویدادهای زمان خود توجه کردند. آنها در بسیاری از گزارش‌ها، شاهدان عینی وقایع بودند و همین امر باعث شده تا گزارش‌های این دو مورخ در بازشناسی خیلی از وقایع و حوادث تاریخی به‌ویژه فتح ایران مفید و مؤثر باشد. *تاریخ غوند* تاکنون از زبان ارمنی به زبان‌های دیگر ترجمه نشده اما کتاب سبئوس به زبان‌های دیگری از جمله فارسی ترجمه شده‌است؛ با این همه گزارش‌های آنها به‌ویژه درباره فتوحات اسلامی مورد ارزیابی و نقد قرار نگرفته است.

پیشینه پژوهش

درباره موضوع مقاله حاضر تاکنون پژوهش مستقلی صورت نگرفته است اما درباره تاریخ‌نگاری ارامنه مقالات عالمانه‌ای تدوین شده که از جمله آنها می‌توان به اینها اشاره کرد: «تاریخ اسقف سبئوس و اهمیت آن در پژوهش تاریخ ایران» نوشته سارکسیان (۱۳۸٤ش)؛ «ایران‌شناسی در منابع ارمنی» نوشته بایبوردیان (۱۳۷٦ش)؛ «موسی خورنی» نوشته سارگیسیان (۱۳۷٦ش)؛ «تاریخ ایران باستان در آیینه مورخان ارمنی» نوشته گهرویی (۱۳۹۷ش)؛ «ملاحظاتی بر متن *تاریخ غوند* و روایت‌های آن» نوشته مانوکیان

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.44.65]

(۱۳۹۷ش). این مقالات عمدتاً به تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری مورخان ارمنی پرداخته‌اند. از این‌رو در این مقاله سعی شده‌است تا گزارش‌های سبئوس و غوند درباره فتوحات اعراب مسلمان در ایران مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

تاریخ‌نگاری ارمنی

پس از پیدایش الفبای ارمنی به دست مسروپ ماشتوتس[1]قدیس، تاریخ‌نگاری مدون ارمنی نیز از سده پنجم میلادی با رویکرد جدید دینی پایه‌گذاری شد. به سبب رشد و ترقی کتابت، سده پنجم میلادی به سده طلایی تاریخ‌نگاری ارمنی مشهور است (نوری زاده، ٤٣٤). نویسندگان ارمنی برای دفاع از ارزش‌های ملی و انتقال آن به نسل‌های بعد، به تاریخ‌نگاری توجه ویژه‌ای کردند. در قرن پنجم میلادی موسی خورنی که لقب پدر تاریخ‌نگاری ارمنی را به خود اختصاص داده، مکتب تاریخ‌نگاری ارمنی را بنیان نهاد. شاگردانش تاریخ‌نگاری او را ادامه دادند. در اواخر قرن پنجم یکی از شاگردان موسی خورنی به نام «غازار پارپه تسی»[2]مسئول ثبت وقایع آن زمان شد و اثر بزرگ *تاریخ ارمنیان* را تدوین کرد. بعد از غازار پارپه تسی، کار تاریخ‌نگاری ارمنی را سبئوس در قرن هفتم میلادی به عهده گرفت. سبئوس محتوای کتاب خود را از جایی آغاز می‌کند که غازار پارپه تسی به پایان رسانده بود (بایبوردیان، ۵۰-٤٧).

از آنجا که ارمنیان از دیرباز در مسائل سیاسی با ایرانیان تشریک مساعی و همفکری داشته‌اند، مورخان ارمنی نیز در کنار ضبط رخدادهای تاریخی سرزمینشان، حوادث تاریخی و مسائل سیاسی-اجتماعی و فرهنگی ایرانیان را نیز ثبت کرده‌اند. از این‌رو برای زدودن ابهامات و روشن کردن هر چه بیشتر تاریکی‌های تاریخ ایران به‌ویژه در دوره فروپاشی ساسانیان و فتوحات اعراب مسلمان باید از منابع تاریخی و فرهنگی آنان به‌ویژه دو اثر متأخرتر یعنی *تاریخ سبئوس* و *تاریخ غوند* برای به دست آوردن اطلاعاتی از حوادث و رویدادهای آن دوره بهره جست. زرین‌کوب (٧٤) درباره اهمیت

---

1. Mesroop Mashtots
2. Gazar parpe

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.44.65]

کتاب‌های سبئوس و غوند (لئونیتوس)[1] می‌نویسد؛ از منابع دست اول ارمنی می‌توان جزئیات مفیدی درباره فتوحات اعراب بدست آورد، چه مورخان ارمنی به دلیل احاطه بر اخبار و اطلاع بر احوال، دقت بیشتری در فهم و ضبط وقایع به‌کار برده‌اند. او اضافه می‌کند کتاب سبئوس از قدیمی‌ترین منابعی است که نام پیامبر(ص) در آن ذکر شده‌است. همچنین از روایات این کتاب معلوم می‌شود که در واقعه قادسیه بالغ بر ٤ هزار ارمنی به فرماندهی سرداران خویش در سپاه رستم حضور داشتند. اشپولر (١١) هم برای تخمین دقیق تعداد سپاه تازیان به سبئوس مراجعه کرده است. مقاله حاضر با بررسی دو اثر یاد شده به دیدگاه‌های تاریخ‌نگاری این مورخان درباره فتوحات اعراب در ایران و سرزمین‌های پیرامون می‌پردازد.

١- اسقف سبئوس

سبئوس برجسته‌ترین مورخ ارمنی سده هفتم میلادی است که نامش با تاریخ‌نگاری اسلامی به‌نوعی گره خورده است؛ زیرا سبئوس به‌عنوان اولین تاریخ‌نگار غیرمسلمان، گزارش‌هایی از قرن اول اسلامی ارائه کرده است. تاریخ سبئوس یکی از کهن‌ترین متون دوره بعد از ظهور اسلام است که در آن می‌توان به اطلاعاتی از تاریخ ایران و سرزمین‌های پیرامون آن دست پیدا کرد (سبئوس، ١٥). از سبئوس کتاب ارزشمندی به نام *تاریخ هراکل* یا *تاریخ هراکلیوس* که به‌اختصار تاریخ نامیده می‌شود، برجای‌مانده است. او تاریخ خود را از دوران افسانه‌ای تاریخ ارمنستان آغاز کرده و شرح رویدادها را تا سال ٦٦١م ادامه داده است (همان، ١٢٥). تاریخ ولادت سبئوس دقیقا مشخص نیست اما بر حسب مدارک و شواهد، در اواخر قرن ششم تا نیمه دوم قرن هفتم می‌زیست. بعضی از مورخان ارمنی همچون وارطان باغیشتسی[2] معتقدند، از آنجایی که سبئوس مدت طولانی در دربار خسرو پرویز حضور داشته و بیشتر مطالب کتاب او دربردارنده حوادث دوران حکومت وی است، بنابراین می‌توان این کتاب را «تاریخ خسرو دوم (٦٢٨- ٥٩٠)» نامید (Sebeous, 2). سبئوس به‌سبب خدمت در دربار

١. Leonitos
٢. Vartan Baghisheci

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.44.65]

ساسانی، با فرهنگ و آداب‌ورسوم مردم ایران آشنا و مأنوس بود، از این‌جهت می‌توان به گزارش‌های او اطمینان کرد. منابع اصلی کتاب سبئوس عبارتند از کتاب مقدس، نوشته‌های پاوستوس بیوزاند، آگاتانگغوس[1] غازار پارپه تسی، یغیشه[2] و شمار فراوانی اسناد دیوانی، نامه و مانند اینها (سبئوس، ۱۲٦). سبئوس در سطح فراملی نیز شخصیت شناخته شده‌ای است که از محتوای کتاب تاریخ او می‌توان گزارش‌های کاملی از تاریخ ارامنه، پارسیان، اعراب، یونانیان، گرجیان، آشوری‌ها و مادها به‌دست آورد. این کتاب به زبان‌های انگلیسی، فرانسه، آلمانی، روسی و فارسی ترجمه شده‌است (Sebeous, 3-٤).

۱-۱- اهمیت *تاریخ سبئوس*

تاریخ سبئوس قدیم‌ترین متنی است که از تاریخ ایران و برخی ممالک پیرامون ایران بعد از برآمدن اسلام موجود است. کتاب *تاریخ سبئوس* جزو معدود متونی است که اطلاعات کاملی از دوره ساسانی و کاملترین گزارش از دوره خسرو پرویز و فتوحاتش ارائه می‌کند. همچنین این کتاب جزو اولین متونی است که درباره ظهور پیامبر ﷺ گزارش داده است. سبئوس به عنوان یک مورخ بی‌طرف درباره رخدادهای سیاسی زمان خود گزارش داده و دارای دیدگاهی متفاوت نسبت به متون عربی درباره فتوحات اعراب مسلمان دارد. سبئوس در این کتاب بر خلاف متون ایرانی و عربی درباره تاریخ کیانی ایران قبل از هخامنشیان نیز اشاراتی دارد. همچنین *تاریخ سبئوس* در کنار تحولات سیاسی، مشخصات کامل جغرافیایی آن زمان را نیز شرح می‌دهد.

سبئوس مشاهداتش را ثبت کرده است در حالی که قدیم‌ترین منابع مکتوب در قلمرو ایران پس از اسلام در حدود سال‌های ۲۰۰، از شنیده‌ها و روایت‌ها تألیف شده‌اند. مشاهدات سبئوس از دوره برآمدن اسلام و بیرون آمدن پیروان دین نو از سرزمینشان به صورت روزانه گزارش شده‌است. بنابراین اهمیت *تاریخ سبئوس* آن است که در سده هفتم میلادی نوشته شده، و در آن ایام تاریخ‌نگاری بیزانسی و آسوری

[1] Aghatangegous
[2] Yeghisheh

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOI: 10.52547/isihistory.1.44.65]

در حال رکود و نوشته‌های پهلوی نیز در حال احتضار بودند و تاریخ‌نگاری عرب نیز هنوز پای به عرصه نگذاشته بود و برای چنین کاری به دویست سال زمان نیاز داشت. از این منظر *تاریخ سبئوس* از ارزش بی‌همتایی برخوردار است (ترغوندیان، ۱۳۱).

از آنجایی سبئوس مانند بسیاری از اندیشمندان ارمنی دوران قرون‌وسطی در کسوت روحانیت بود، خیلی از مسائل و روایت‌ها را به کتاب مقدس و آیات و متون مذهبی پیوند داده است. سبئوس در آغاز فصل ٤٢، ابتدای ورود به تاریخ اسلام و تشکیل حکومت اسلامی، به سرگذشت خاندان حضرت ابراهیم علیه‌السلام و اعقاب و سلاله او می‌پردازد. درباره سقوط سلسله ساسانیان نیز به *کتاب مقدس*، صحیفه دانیال نبی که مدت‌ها قبل اضمحلال چهار پادشاهی بزرگ را پیش‌بینی کرده بود، رجوع می‌کند (دانیال، ب ۷: ۱ تا ۲۸). سبئوس از انگیزه اعراب برای فتح اورشلیم (بیت‌المقدس) و به‌طورکلی از شروع فتوحات آنان گزارشی متفاوتی می‌دهد. سبئوس انگیزه فتح اورشلیم به‌دست اعراب مسلمان را به درخواست قبایل دوازده‌گانه بنی‌اسرائیل از آنها نسبت می‌دهد. یهودیان برای رهایی از یوغ امپراتوری یونان دست تمسک و اعتصام به‌سوی آنها دراز می‌کنند و خویشاوندی قوم خود با اعراب را با استناد به *کتاب مقدس* یادآور می‌شوند. آنها پیکی نزد اعراب می‌فرستند و به آنها می‌نویسند از آنجایی که ما خویشاوندیم و خداوند وعده این سرزمین را به ما و شما داده است، پس بشتابید بسوی ما و ما را از دست یونانیان نجات دهید (Sebeous, 197).

سبئوس به دلیل اینکه اولین منبع غیر اسلامی بود که اطلاعات دقیق و بدون تعصب قومی و مذهبی درباره تاریخ قرون اولیه اسلامی ارائه کرده، منبع اصلی بعضی از کتاب‌ها همچون *فتوح البلدان* قرار گرفته است. *فتوح البلدان* بلاذری اطلاعاتی برخلاف دیگر منابع اسلامی، از مورخ ارمنی، سبئوس، در مورد فتوح مسلمین در ارمنستان به دست داده است. خط سیر مسلمین در بلاد «ارمن»[1] براساس گفته‌های سبئوس و اطلاعات بلاذری یکسان است (محمودآبادی، ١٦٠). از طرفی هم، بلاذری اولین مورخ

۱. مراد سرزمین ارمنستان است.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.44.65]

مسلمانی است که اخبار فتوحات را با توجه به نوشته‌های سبئوس بـه نگـارش درآورده است (کریستن‌سن، ۱۱۸). اشتراکاتی نیز از *تاریخ سبئوس* در کتاب *اخبارالطوال* دینوری به‌ویژه در موضوع فروپاشی سلسله ساسانی دیده می‌شود که می‌توان احتمال داد، *تـاریخ سبئوس* منبع اصلی دینوری در این موضوع بوده‌است. در دوران معاصر نیز اندیشمندانی چون دیوید لانگ، ریچارد فرای، لئو و بسیاری دیگر در پژوهش‌های خود از ایـن منبـع بسیار استفاده کرده‌اند (سارگیسیان، ۱۲۷).

پژوهشگران معاصر اثر سبئوس را بسیار مهم دانسته و به‌تناسب استفاده از این اثر بـه اهمیت آن هم اشاره کرده‌اند. مهم‌ترین مواردی که از منظـر ایـن پژوهشـگران مـنعکس شده عبارتند از: گزارش مفصل سبئوس درباره پنجاه سال تاریخ پسین زمـان ساسـانی و یورش اعراب مسلمان (بازورث، ۸۹۲؛ رضـایی، ٤۹/۷)؛ قـدیم‌ترین فـرد و موثـق‌تـرین گزارش‌ها درباره تحولات سـده هفـتم (کولسـنیکف، ۵۹؛ مـارکوارت، ۷٦)؛ روشـنگری تاریخ مشرق زمین در قرن هفتم به‌ویژه درباره فتوحات اعراب؛ بازتاب دقیق رویدادهای سده‌های ششم و هفتم و تأثیر عمیـق در علـم تاریخ‌نگـاری جهـانی (بایبوردیـان، ۵۰)؛ پرداخت دقیق به مسائل سیاسی در کنار شرح جنگ‌هـا، عهدنامـه‌ها و معاصـر بـودن بـا وقایعی که به شـرح آنهـا می‌پـردازد (بیـات، ٦۸) و بـالاخره منبـع ارزشـمندی دربـاره پژوهش‌های ایران‌شناسی، عرب‌شناسی و بیزانس‌شناسی (ترغوندیان، ۱۲٦).

۲-۱- اخبار فتوح ایران در کتاب *تاریخ سبئوس*

تشکیل حکومت قدرتمند اسلامی و آغاز فتوحات اعراب از بخش‌هـای مهـم کتـاب *تاریخ سبئوس* است که از فصل ٤۲ به بعد بدان پرداخته شده‌است. مولف در این بخـش به معرفی آبا و اجداد اقوام عرب می‌پردازد و با استناد به *کتاب مقدس* قبایـل عربـی کـه در عربستان زندگی می‌کردند را از سلاله اسماعیل می‌داند که پیامبری بزرگ از میان آنها برانگیخته خواهد شد (پیدایش: ۱٦-۱ تا ۱۲). در ادامه این فصل سبئوس بـه چگـونگی تشکیل حکومت اسلامی و فتوحات آنان می‌پردازد و سپس چگونگی فروپاشی سلسـله ساسانی را تشریح می‌کند. سبئوس همچنـین از حملـه اعـراب بـه ایـران و جنـگ‌هـای

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.44.65]

قادسیه و نهاوند سخن می‌راند. در خصوص جنگ قادسیه راوی نقل می‌کند که در آن روزگار یزدگرد با ترس پادشاهی می‌کرد زیرا سپاهیانش سه‌پاره شده بودند و او در حال کناره‌گیری بود. در آن زمان سپاهیان اسماعیلی[1] به‌طرف تیسفون پایتخت ایرانیان به حرکت درآمدند. از سرزمین مادها نیز سپهسالاری به نام رستم با لشکری بالغ بر ۸۰هزار مرد جنگی برای مقابله با اعراب از رودخانه دجله عبور کرد و به نزدیک منطقه‌ای به نام هرتیکان[2] رسید. لشکر اسماعیلیان، سپاه ایرانیان را تحت فشار قرار داد و ایرانی‌ها برای ادامه جنگ از امیران ارمنی[3] کمک خواستند. ارامنه برای یاری رساندن به ایرانی‌ها، سپهسالار موشغ مامیکونیان[4] فرزند داویت[5] را با ۳ هزار مرد جنگی و شاهزاده گرگور، امیر سیونیک را با هزار مرد جنگی روانه جبهه جنگ کردند (سبئوس، ۲۱۰). سرانجام این جنگ شدید [جنگ قادسیه]، به نفع اعراب به پایان رسید و نیروهای ایرانی و ارمنی همگی از دم تیغ گذشتند و مابقی هم منهزم شدند. پس از جنگ هرتیکان ایرانیان سپهسالاری به نام «خوروخ آزاد» را برای رهایی یزدگرد روانه تیسفون کردند؛ اما او نیز شکست خورد و پادشاه به زحمت توانست از معرکه بگریزد و به جنوب ایران برود. تیسفون نیز به دست اعراب تسخیر شد و تمامی گنج‌ها و اموال شهر به دست اعراب افتاد (همان، ۲۱۷–۲۱۸).

سبئوس همچنین جنگ نهاوند و کشته شدن یزدگرد را روایت می‌کند. در خصوص جنگ نهاوند گزارش می‌کند که لشکریان اسماعیلی ٤٠ هزار و ایرانیان ٦٠ هزار مرد جنگی داشتند، اما به دلیل بی‌انگیزه بودن لشکریان ایرانی، اعراب پیروز می‌شوند و یزدگرد به مناطق مرکزی ایران پناه می‌برد (همان، ۲۲۰). راوی در خصوص کشته شدن یزدگرد نیز گزارشی متفاوت با منابع اسلامی ارائه می‌دهد.[6] او درباره جنگ و گریز

۱. به دلیل انتساب پیامبر ﷺ و قبیله ایشان به اسماعیل علیه‌السلام فرزند ابراهیم علیه‌السلام، سبئوس مسلمانان را اسماعیلیان می‌نامد.

۲. Hertichan، مراد سرزمین حیره و محل قادسیه است.

۳. در زمان ساسانیان ارمنستان در مواقع جنگ نیروی کمکی برای سپاه ساسانی اعزام می‌کرد.

٤ Moshegh Mamikonian

٥ David

٦. طبق منابع اسلامی، یزدگرد آخرین پادشاه ساسانی، به دست آسیابانی کشته شد.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.44.65]

یزدگرد تـا زمـان مـرگش می‌نویسـد: «در سـال ۲۰ از پادشـاهی یزدگـرد و سـال ۱۱ از پادشاهی کوستاندِ قیصر و سال ۱۹ از حکومت اسماعیلیان، اعراب از جانـب خوزسـتان برای جنگ با یزدگرد به طرف سرزمین پارت‌ها به حرکـت درآمدنـد. یزدگـرد از آنجـا گریخت؛ اما نتوانست نجات یابد زیرا در نزدیکی مرز کوشانیان اعراب به او رسـیدند و سپاه ایران شکست سختی خورد. یزدگرد دوباره گریخت و به سپاه تتالی‌ها[1] پناه بـرد. در این حین نیز پادشاه مادها از یزدگرد رویگردان و تسلیم اسماعیلیان شد. تتالی‌ها نیـز بـه یزدگرد وفا نکردنـد و سـرانجام او را پـس از ۲۰ سـال پادشـاهی، بـه قتـل رسـاندند و امپراتوری ساسانی را پس از ۵۳۲ سال از میان برداشتند» (Sebeous, 263).

از گزارش سبئوس آشکار می‌شود که اصلی‌ترین انگیزه اعراب برای حملـه بـه ایـران بشـارت پیـروزی و مأموریـت گرایـی آنهـا از سـوی پیـامبر ﷺ و دسـت یـافتن بـه ثروت‌های عظیم و گنج‌های ارزشمند کاخ‌های ساسانیان بوده‌است. اعراب به‌رغم تعـداد کمتر، بر سپاه بزرگ و البته بی‌انگیزه ساسانیان غلبه کردند. در گزارش سبئوس همچنـین به این حقیقت مهم اشاره می‌شود که ساسـانیان در آسـتانه یـورش اعـراب مسـلمان در منتهی الیه ضعف خود بودند و این امر از دید اعراب پنهان نبود و انگیزه آنهـا را بیشـتر می‌کرد. همچنین سبئوس خوی اعراب مسلمان را غارتگرانه توصـیف کـرده و در چنـد جا به غارت و قتل‌عام عمومی ایرانیان توسط اعراب مسلمان اشاره می‌کند (همان، ۲۱۸، ۲۵۶). او شکست سلسله ساسانیان را به دو عامل، یکی ضعف و فتور ایرانیان و خیانـت برخی از سرداران ایرانی و دیگر انگیزه‌های دینی و مادی اعراب مسلمان نسبت می‌دهـد (Bakshihan, ۱۱۲).

۲- غِوُند مورخ

غِوُنـد مـورخ ارمنـی قـرن هشـتم مـیلادی و مؤلـف کتـاب *تـاریخ* اسـت. او بـه «غوندِ یرتس»[2] یا «غوند مورخ» معروف است. اطلاعات دقیقـی از محـل تولـد و تـاریخ

۱. تتالی‌ها اقوام بیابان گرد آسیای مرکزی بودند.

۲. Yerets، به معنای عالم و پیشوای دینی است.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.44.65]

ولادت و زندگی این مورخ در دست نیست. غوند کودکی را در منطقه «گوقت»[1] سپری کرد و سپس برای کسب علم و دانش به مدرسه علمیه شهر «دوین»[2] رفت. غوند با واقعیات زندگی ارتباط ناگسستنی داشت و آن‌طور که خود نقل کرده در تمامی حوادث و رویدادهای تاریخی حضور داشته و آنچه را که خود دیده و شنیده به رشته تحریر درآورده است. غوند در بعضی از عملیات نظامی بی‌طرفی خود را نسبت به جنگ‌ها و پیروزی‌هایی که نصیب دشمن شده، حفظ کرده و نقل‌قول‌هایی را از زبان دشمنان به‌درستی بیان کرده است. از یادداشت نویسنده مشخص می‌شود که وی نگارش کتاب را بنا به درخواست شاپوه باگراتونی نجیب زاده ارمنی و بزرگ خاندان باگراتونی تقبل کرده است (Ghevond, 3). احتمالاً نگارش این کتاب در سال ۷۹۰ م به پایان رسیده است.

۱-۲- اهمیت کتاب غوند

غوند در دوره تحولات بزرگ سیاسی و اجتماعی زندگی کرده است. او به‌عنوان مورخی نسبتاً بی‌طرف وقایع قرن هفتم و هشتم میلادی در شبه‌جزیره عربستان و سرزمین‌های پیرامونی به‌ویژه تحولات سیاسی و اجتماعی در حال وقوع در حوزه دو امپراتوری بزرگ و در حال فروپاشی ساسانی و رم را گزارش کرده است. غوند اطلاعات مفیدی درباره تحولات دو قرن اول هجری می‌دهد و تا حدی تمرکز گزارش‌های وی بر اخبار فتوحات و همچنین تاریخ خلفا بوده‌است؛ از این‌رو برخی مورخان ارمنی بعد از او، کتاب *تاریخ غوند* را «تاریخ غوند و اخبار خلفای اسلامی» نامیدند. غوند به‌طور دقیق و با گاه‌شماری، تاریخ دوره معاویه (حک. ۶۸۰-۶۶۱) تا هارون‌الرشید (حک. ۸۰۹-۷۸۶) را ثبت کرد (Bakshihan, 113; Ghevond, 9).

غوند همچنین وضعیت اقتصادی و منابع مالی و درآمدزایی سرزمین‌های اسلامی را

---

۱. Gogth، یکی از روستاهای ارمنستان در استان کوتایک است.

۲. Dvin، از شهرهای ارمنستان باستان در نزدیکی رود ارس و جنوب ایروان است. این شهر در زمان خسرو، پادشاه اشکانی ارمنستان، محل تفریح و نخجیر این پادشاه بوده‌است. در زبان فارسی «دوین» به معنی تپه است (خورنی، ۱۹۶).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.44.65]

تشریح کرد. او همچنین مسئله خراج را که منبع اصلی درآمد سرزمین‌های اسلامی محسوب می‌شد و حیات خلافت بر پایه آن متکی بوده را به خوبی تشریح کرده است به‌طوری‌که می‌توان ردپایی از این بخش کتاب را در آثار مورخان عرب مانند قاضی ابویوسف در کتاب *الخراج*[1] پیدا کرد. به نوشته غوند جمع‌آوری مالیات و جزیه از طرف اعراب در بلاد ارمنیه به صورت مالیات مستقیم و نقدی بوده‌است و اعراب به‌جای کالا و محصولات از مردم و کشاورزان سکه‌های نقره می‌گرفتند و مردم برای تهیه مسکوکات مجبور بودند کالاهای خود را به هر قیمتی بفروشند، در نتیجه بلاد ارمنیه با کمبود پولِ نقره مواجه شد. اوضاع نابسامان اقتصادی ناشی از خراج سنگین، موجب مهاجرت زمینداران ارمنی از ارمنستان شد و اعراب زمین‌های آنها را تصاحب کردند. به گزارش بعضی از مورخان عرب، در زمان هارون‌الرشید، خراج سالیانه ارامنه به ۱۳میلیون سکه نقره رسید، در حالی‌که خراج سالیانه ارمنستان ٤ میلیون نقره بود. سیاست تضعیف و فشار خلافت بر ارمنیه به دو دلیل بود: فقر شدید مجال قیام را از بین می‌برد و دیگر اینکه از طریق ارمنیه بر امپراتوری بیزانس فشار می‌آوردند (Bakshihan, 112 ; Ghevond, 9).

از کتاب *تاریخ غوند*، می‌توان در مسائل داخلی جهان اسلام و مسائل مدیریتی، سیاسی و اجتماعی اطلاعات سودمندی به‌دست آورد، اطلاعاتی که در هیچ‌یک از منابع غیر اسلامی آن زمان نمی‌توان یافت. به‌عنوان مثال تقسیم مملکت اسلامی به دو مرکز عمده سیاسی، یکی حوزه اداری آشور (شام) به مرکزیت «طرسوس»[2] و دیگری حوزه اداری میانرودان (الجزیره) به مرکزیت «ملطیه»[3] و همچنین تعیین حدود و ثغور این

۱. با وجود شباهت گزارش‌های قاضی ابویوسف و دیگرانی چون ابوزکریا یحیی بن آدم، ابوعلی الحسن بن زیاد اللؤلوی، ابوعبدالرحمن الهیثم بن علی الثعلی، احمد بن محمد بن عبدالکریم بن ابی‌سهل الاحوال، ابوالقاسم عبیدالله بن احمد الکلوذانی و قدامه بن جعفر با *تاریخ غوند* در مسائلی مانند غنیمت، فیء، خراج، جزیه، ثروت‌هایی که از راه جنگ و یا غیر جنگ به‌دست می‌آمد، هیچ اشاره‌ای به استفاده از این کتاب نشده‌است. به نظر می‌رسد به دلیل متن ارمنی کتاب *تاریخ غوند*، خراج نویسان مسلمان امکان استفاده از این کتاب را نداشته‌اند.

۲. نام شهری واقع در ٤٠ کیلومتری شهر آدانا در ترکیه امروزی است.

۳. شهری واقع در غرب فرات، در دامنه‌های کوه‌های توروس در ترکیه امروزی است.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.44.65]

مناطق در *تاریخ غوند* مطرح شده‌است (Ghevond, 12).

غوند به‌عنوان مورخ قرن ۷ و ۸ میلادی، حوادث بین سال‌های ٦٢٠ تا ٧٨٠ میلادی را به رشته تحریر درآورده است. البته حوادث ثبت شده بین سال‌های ٦٢٠ تا ٦٦٠ میلادی این کتاب با کتاب سبئوس شباهت‌های زیادی دارد و ارزش کار غوند مربوط به حوادث سال ٦٦٠ به بعد است که مورخ بیشتر مطالب این سال‌ها را از دیده‌ها و شنیده‌های خود به ثبت رسانده است.

قدرت پردازش غوند نه تنها در ثبت رویدادها بلکه در ترسیم تصویر روشنی از جغرافیای مناطق است. نویسنده اطلاعاتی در زمینه آب‌وهوا، پوشش گیاهی و پراکندگی جمعیت‌های انسانی به‌طور دقیق و ملموس به خواننده ارائه می‌کند، از این‌رو *تاریخ غوند* یکی از منابع مطالعاتی جغرافیای شرق آسیای صغیر شده‌است (مانوکیان، ٦٢). از قسمت‌های مهم دیگر این کتاب، نامه معروف عمر به لئون، امپراتور روم، برای دعوت آنها (رومیان) به دین اسلام و پاسخ لئون به این نامه است که مورخ در سفر خود به قسطنطنیه این نامه را به‌دست آورده و عیناً در متن خود گنجانده است (Ghevond, ۳).

۲-۲- محتوای کتاب *تاریخ غوند*

غوند در ابتدا به بررسی شکل‌گیری حکومت اسلامی و معرفی کسانی که امیرالمؤمنین خوانده می‌شدند، می‌پردازد. نام حضرت محمد ﷺ برای اولین بار در منابع غیر اسلامی توسط سبئوس و سپس غوند بیان شده‌است. در این کتاب همچنین می‌توان به سال تشکیل حکومت‌های خلفای اولیه اسلامی با ذکر گاه‌شماری آن دست پیدا کرد (Ghevond, 5-6). غوند به مانند خیلی از علمای مسیحی آن زمان، فتوحات و تهاجمات اعراب به سرزمین‌های مسیحی را بلایی آسمانی می‌دانست که از طرف خداوند به سبب گناهان کشورهای مسیحی بر آنها نازل شده بود (Ghevond, 18-۲۰; Babayan, 336).

در فصل‌های نخستین کتاب، غوند مانند سبئوس در مورد تشکیل حکومت اسلامی و

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.44.65]

خلفای اولیه و نیز توافق یهودیان با اعراب گزارش‌هایی می‌دهد و در ادامه به چگـونگی فتح سرزمین‌های روم و ایران و در نهایت ارمنستان می‌پردازد. البته بیشتر متن این کتاب مربوط به فتح ارمنستان و بیزانس است. در اثنای این گزارش‌ها اخبار مربـوط بـه ایـران نیز نهفته است (Ghevond, 18). در فصل ۲۷ غوند به واقعه قیام ابومسـلم و سـقوط خلافت بنی‌امیه می‌پردازد. راوی ابومسلم را فردی خردمنـد کـه از توانایی‌هـای خاصـی برخوردار بوده معرفی می‌کند و می‌نویسد: او رهبر جنبشی قرار می‌گیرد که بر اثر ظلم و تعدی بنی‌امیه و نارضایتی ملل تابعه به‌ویژه خراسان شکل گرفتـه بـود. غونـد همچنـین جزئیات جنگ سپاه ابومسلم با لشکریان مروان بن محمد را گزارش می‌کند و چگـونگی پیشروی سپاهیان ابومسلم تا آن سوی رودخانه دجله و تسخیر شهر آگوقـا[1] و بصـره تـا پیروزی نهایی جنـگ را بیـان می‌کنـد. راوی کشته‌شـدگان سـواره‌نظام لشـکر مـروان را ۳۰۰هزار تن گزارش کرده است (Ghevond, 103).

این کتاب شامل ٤٤ فصل است که بیشتر متن آن روایات مربوط به فتوحات و دوران خلافت امویان و عباسیان و قسمت دیگر متن شامل نامه‌های امـرا و فرمانروایـان اسـت (Babayan, 349).

۳-۲- گزارش‌های غوند درباره فتح ایران

غوند در فصل دوم کتابش بعد از گزارش فتح فلسطین و شام به امپراتوری قدرتمنـد ایران می‌پردازد. او درباره فتح ایران می‌نویسد: «بعد از یک سال آنها جسارت حملـه بـه ایران را پیداکرده و شروع به جمع‌آوری لشکر برای یورش به ایران شـدند». در آن ایـام یزدگرد نوه خسرو بر ایران فرمانروایی می‌کرد. او نیز برای مقابله آماده شد، اما نتوانست در برابر آنها مقاومت کند. یزدگرد[2] کشته شد و تمام سپاهیانش به زیر تیغ کشیده شـدند. بعد از ٤٨١ سال[3] پادشاهی پارس‌ها سقوط کرد. اسماعیلیان کشور را ویران کـرده، تمـام

۱. Aghoola، نام قدیم شهر کوفه است.

۲. مراد یزدگرد سوم است که بر اساس منابع اسلامی در مرو به دست آسیابانی کشته شد.

۳. ساسانیان در سال‌های ۲۲٤-٦٥۱ بر ایران حکمرانی داشتند، از این شاید غوند به اشتباه مدت حکومت اشکانیان را نگاشته است.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.44.65]

گنج‌های دربار را غارت کردند (Ghevond, 20).

بعد از سقوط ایران لشکر آنها به چند قسمت تقسیم شد. یک قسمت از لشکر در ایران ماند و قسمت عمده لشکر که شامل سربازانی آماده و جنگاور بودند، از طریق ایران به‌طرف ارمنستان یورش بردند و شهرهای ماد، نخجوان و دستگرد را تسخیر کردند. آنها بسیاری را اسیر کرده و با عبور از رود یراسخ[1] به سرزمین‌های خود بردند. پس از تسلط اعراب بر منطقه و قتل و غارت و هرج‌ومرج و اوضاع نابسامان، در نهایت ارمنی‌ها سر به شورش برداشتند. آنها به رهبری تئودورس رشتونی با معاویه توافق کردند و حکومت مستقلی در ارمنستان تشکیل دادند. ارمنی‌ها برای سه سال از پرداخت خراج معاف شدند. آنها متعهد شدند بعد از آن خراج سالیانه خود را بپردازند در مقابل اعراب نیز متعهد شدند در صورت تهدید ارمنستان از جانب روم، از ارمنستان حمایت کنند (Ghevond, 21).

گزارش غوند درباره فتح ایران توسط اعراب مسلمان نسبت به گزارش‌های سبئوس کوتاه و مختصر است اما غوند در همان گزارش کوتاه به چند نکته اساسی اشاره می‌کند. از مهم‌ترین این نکات می‌توان به آگاهی اعراب از سستی و اوضاع نابسامان ساسانیان، وجود خوی غارتگری و چپاول در میان سپاهیان اعراب و ویرانی‌های گسترده سپاهیان اعراب در ایران اشاره کرد.

نتیجه

دو کتاب *تاریخ سبئوس* و *تاریخ غوند* از نظر زمانی نزدیک‌ترین منابع به تحولات تاریخ صدر اسلام به‌ویژه فتوحات اسلام در دوره خلفای اولیه و بنی‌امیه است. گزارش‌های این منابع بیشتر حاصل دیده و شنیده‌های آنهاست. نگارش *تاریخ سبئوس* و *تاریخ غوند* در قرن اول و دوم هجری انجام شده، از این‌رو به دلیل وجود اشتراکاتی در کتاب‌های مورخان عرب و ایرانی قرن سوم به بعد با این دو کتاب، می‌توان گفت که این دو کتاب منشأ اصلی منابع تاریخ نگاری اسلامی قرار گرفته‌اند. بنابراین این کتاب‌ها

۱. Araz؛ یراسخ همان رود ارس است.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.44.65]

دارای ارزش فراوانی هستند. باتوجه به اینکه سبئوس و غوند شاهد بسیاری از وقایع بودند و درگیر تعصب مذهبی و نژادی نسبت اعراب نیز نبودند، حقایقی را مطرح ساختند که بعدها مورخان دیگر از بیان آنها امتناع ورزیدند. بخش آخر کتاب *تاریخ سبئوس* و کل کتاب غوند به روایت فتوحات اعراب اختصاص دارد. این دو کتاب از لحاظ محتوایی و نوع گزارش‌ها شباهت‌های فراوانی دارند، همچنین روایات هر دو کتاب دارای بار معنایی و ادبی هستند که به ارزش و اعتبار آنها می‌افزاید. بر اساس گزارش‌های این دو کتاب سرمنشأ فتوحات اعراب چه در ایران و چه مناطق پیرامون، به خاطر یک بینش و تفکر جدید دینی بوده‌است. اختلافات و ضعف داخلی و خیانت نزدیکان پادشاه ایران نیز در انقراض ساسانیان مؤثر بوده‌است. آن دو همچنین به نسبت با منابع اسلامی، گزارش متفاوتی از کشته شدن یزدگرد ارائه کرده‌اند. سبئوس و غوند معتقدند که ممالک مسیحی به سبب غضب خداوند، مورد تهاجم اعراب قرار گرفته و قسمتی از سرزمین‌های خود را از دست دادند. هر دو مورخ بر این امر تأکید دارند که اعراب در سرزمین‌های فتح شده، بی‌عدالتی، ویرانگری، قتل و غارت کردند و از اصل تعلیمات و آموزه‌های دینی خود فاصله گرفتند و موجب رنجش خیلی از اقوام شدند. هر دو مورخ انگیزه فتح سرزمین فلسطین توسط اعراب را بر مبنای تقاضای یهودیان از آنها بیان کرده‌اند.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.44.65]

منابع

– اشپولر، برتولد، *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*، ترجمه جواد فلاطوری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ١٣٦٤.

– بازورث، کلیفورد ادموند، *تاریخ ایران کیمبریج، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی ساسانیان*، یارشاطر، احسان (گردآورنده)، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، چاپ سوم، ١٣٨١.

– بایبوردیان، واهان، «ایران‌شناسی در منابع ارمنی»، پیمان، ش ٥ و ٦، بهار و تابستان، ١٣٧٦.

– بیات، عزیزالله، *شناسایی منابع و مآخذ تاریخ ایران از آغاز تا سلسله صفویه*، تهران، امیرکبیر، ١٣٨٣.

– ترغوندیان، آرام، *نامداران فرهنگ ارمنی از سده ٥ تا ١٨ میلادی*، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

– خورنی، موسی، *تاریخ ارمنستان*، ترجمه گئورگی نعلبندیان، ایروان، انتشارات دانشگاه دولتی ایروان، ١٩٨٤.

– رضایی، عبدالعظیم، *گنجینه تاریخ ایران*، تهران، بی‌نا، ١٣٧٨.

– زرین‌کوب، عبدالحسین، *تاریخ ایران بعد از اسلام*، تهران، انتشارات امیرکبیر، ٢٥٣٥.

– سارکسیان، گارون، «تاریخ اسقف سبئوس و اهمیت آن در پژوهش تاریخ ایران»، پیمان، شماره ٣٤، زمستان، ١٣٨٤.

– سارگیسیان، گاگیک، «موسی خورنی»، پیمان، شماره٧ و ٨، پاییز و زمستان، ١٣٧٦.

– سبئوس، *تاریخ سبئوس*، بر پایه ترجمه آر. دبلیو. تامسون و مقابله با نسخه رابرت پتروسیان، ترجمه محمود فاضلی بیرجندی، تهران، ققنوس، ١٣٩٦.

–*کتاب مقدس*، اچمیادزین، انتشارات کتاب مقدس حوزه علمیه اچمیادزین، ١٩٩٤.

– کریستن‌سن، آرتور، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران، انتشارات صدای معاصر، ١٣٨٠.

– کولسنیکف، آ. ای، *ایران در آستانه یورش تازیان*، ترجمه م. ر. یحیایی، تهران، آگاه، ٢٥٣٥.

– گهرویی، فاطمه، *تاریخ ایران باستان در آیینه مورخان ارمنی*، تاریخ ایران اسلامی، شوشتر، دوره٦، شماره١، شهریور١٣٩٧.

– مارکوارت، یوزف، *ایرانشهر بر اساس جغرافیای موسی خورنی*، ترجمه مریم میراحمدی، تهران، اطلاعات، ١٣٧٣.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.44.65]

– مانوکیان. آرپی، «ملاحظاتی بـر مـتن تـاریخ قونـد و روایـت‌هـای آن»، پیمـان، شـماره ۸۶، زمستان۱۳۹۷.

– محمودآبادی، سیداصغر، *امپراتـوری ساسـانیان در گزارش‌هـای تـاریخی اسـلامی و غربـی*، اصفهان، ناشر افسر، ۱۳۸٤.

– نوری زاده، احمد، *تاریخ و فرهنگ ارمنستان*، تهران، چشمه، ۱۳۷٦.

– Bakshihan, Melikh, *Source study of Armenian history*, Yerevan publishing House of Yerevan State University, 1979 (Բախշեան, Մելիք, 1977).

– Babayan, Leon, *Part of the history of Armenia in the Middle Ages*, Yerevan, the edition of the Armenian Academy Of Science, 1977. (Լեւոն Բաբաեան, 1977)

– Ghevond, *History of Ghevond*, Yerevan, edition of Sovetakan Grogh, 1982. (Ղեւոնդի Պատմութիւն, 1982).

– Sebeous, *History of Sebeous*, Yerevan, University of Yerevan, 2005. ,(ՍԵԲԵՈՍ ՊԱՏՄՈՒԹՅՈՒՆ2005).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.44.65]